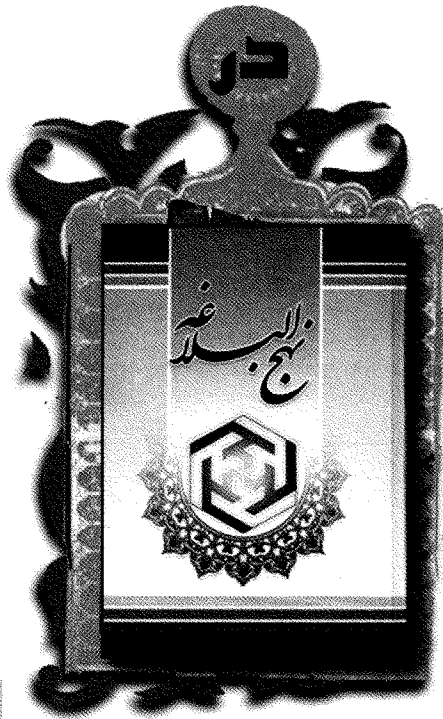


# اسرار و معارف حج



محمد خطیبی کوشکک

چکیده

نهیج البلاغه که در زبان دانشمندان مسلمان به برادر قرآن شهرت یافته، همانند قرآن عظیم است؛ چه، قرآن کتابی است آسمانی و خداوند - عز و جل - آن را با زبان پیامبر اعظم، خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله بیان فرموده و نهیج البلاغه کتابی است که مضامین متین آن، از منبع علم الهی تراوش کرده و بر زبان باب مدینه علم نبوی جاری گردیده است؛ کتابی که جامع حقایق اسلام و مذهب جعفری است و افراد بشر را با رمزهای هستی جهان، انسان و دین آشنا کرده و به سعادت و

سیادت جاودانی راهنما است.

اسرار و معارف حج، از جمله دانش‌ها و علمی است که به طور محدود و در فرازهایی کوتاه از نهج البلاغه بیان گردیده و این نوشتار به برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته است:

کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین، تقویت دین، پرچم برافراشته اسلام، آزمایش و اختبار و جهاد ضعیفان.

مقدمه

امیرمؤمنان، علی بن ابی‌طالب علیه السلام که جان پیامبر صلی الله علیه و آله و تربیت یافته دامن اوست،<sup>۱</sup> قرآن ناطق و عالم به ماگان و ما یکون و ما هوکائن است. او آیت کبرای خداوند، اسم اعظم و کارشناس اعلاى آدم و عالم و دین خداست؛ همو که با هندسه تفصیلی عالم، آدم و دین آشنا است و منبع معصوم و کامل شناسایی حقایق جهان، انسان و معارف دینی است.

از این رو، برای آگاهی از اسرار و معارف فریضة حج - که از جامع‌ترین عبادات و مناسک دینی است - به بررسی سخنان امیر بیان در نهج البلاغه پرداخته‌ایم. هرچند سخنان کوتاهی از آن حضرت در باره حج نقل گردیده، اما در همین سخنان اندک، به اسرار و معارف پرشماری اشاره کرده‌اند که این نوشتار اهم آن‌ها را بررسی می‌کند:

### ۱. فریضة جهت‌بخش و جامع:

امام علیه السلام در خطبه نخست نهج البلاغه که سخن از خلقت آسمان و زمین، آدم و اهمیت قرآن است، در فرازی به حج می‌پردازد که پیام ویژه آن می‌تواند این باشد که حج بیت الله الحرام عصاره اسلام و در برگیرنده مسائل مهم فردی، اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و سیاسی این دین خاتم است.<sup>۲</sup>

از همین رو، حضرت در آغازین خطبه خود سخن از وجوب حج به میان می‌آورد و با تعبیر گویا و دقیق، مسلمانان جهان را به انجام این فریضة بزرگ تشویق می‌کند:

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ»<sup>۳</sup>

«و خداوند حج خانه محترمش را بر شما واجب کرد، همان خانه‌ای که آن را برای مردم قبله قرار داد.»

## ۲. شوق و بی‌قراری در برابر خدا

امام علیه السلام شیفتگی و بی‌قراری حج‌گزاران نسبت به خداوند و خانه او را چنین به تصویر می‌کشد:

«يَرِدُونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وُلُوهَ الْحَمَامِ»<sup>۵</sup>.

«وارد مسجد الحرام می‌شوند، همچون حیوانات تشنه‌ای که به آب می‌رسند و در آن پناه می‌گیرند همانند کبوترانی که در آشیانه جای می‌گیرند!»

تشبیه حاجیان به انعام، یا به خاطر تواضع فوق العاده آنان در برابر بیت الله است و یا اشاره به بی‌قراری و بی‌تابی آن‌ها به هنگام هجوم به سوی خانه کعبه و طواف آن دارد.

چنین تعبیرهایی در عرف عرب مفهومی متفاوت با عرف ما دارد و اهانت و سبکی از آن برداشت نمی‌شود و همچنین تشبیه عاشقان خانه خدا به کبوتر، یادآور آن است که این پرنده بی‌آزار، رمز محبت، صلح، صفا و امنیت است و زمزمه آمیخته به شوق دارد.

جالب توجه است که نقطه آغاز اعمال و مناسک حج، از میقات و با بستن احرام و گفتن لبیک است که مفهومش اجابت متواضعانه دعوت الهی است. آری، خداوند زائران خود را به میهمانسرای بزرگش فرا می‌خواند و آن‌ها لبیک‌گویان، عاشقانه و بی‌قرار با دل‌های سرشار از شوق و سرهای پر از عشق و هوای دوست به سمت خانه‌اش می‌روند و خود را در جوار قرب او میهمان می‌کنند که نخستین ثمره آن، رویدن جوانه‌های تقوا و معنویت در دل و جان حج‌گزاران است.



خداوند متعال با تشریح بسیاری از عبادات و مناسک، به ویژه فریضه بزرگ حج، به تربیت انسان می‌پردازد و او را در ادبستان حج با مناسک و عباداتی که حاوی نشانه‌های تواضع و فروتنی است، پرورش می‌دهد. اعمالی مانند احرام و کندن تمام لباس و زر و زیور و قناعت کردن به دو تکه پارچه احرام، طواف خانه خدا، سعی صفا و مروه و وقوف در بیابان عرفات، مشعر و منا و تراشیدن موی سر و نیج قربانی و... همه و همه آموزنده تواضع و فروتنی در برابر عظمت پروردگارند.

### ۳. فروتنی در برابر عظمت خداوند و اعتراف به عزت او

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِّتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَ إِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ»<sup>۶</sup>

«خداوند سبحان، حج را علامت فروتنی آن‌ها در برابر عظمتش و نشانه‌ای از اعترافشان برای عزتش قرار داد.»

انسان به دلیل بهره مندی از مواهب فراوان زندگی و سرگرمی با زن و فرزند، اموال و مقامات و مناصب دنیایی، از هویت واقعی خود - که بندگی و فقر ذاتی و عجز و ناتوانی است - غافل می‌شود و ابراز استغنا و استکبار می‌کند. خداوند متعال با تشریح بسیاری از عبادات و مناسک، به ویژه فریضه بزرگ حج، به تربیت انسان می‌پردازد و او را در ادبستان حج با مناسک و عباداتی که حاوی نشانه‌های تواضع و فروتنی است، پرورش می‌دهد. اعمالی مانند احرام و کندن تمام لباس و زر و زیور و قناعت کردن به دو تکه پارچه احرام، طواف خانه خدا، سعی صفا و مروه و وقوف در بیابان عرفات، مشعر و منا و تراشیدن موی سر و ذبح قربانی و... همه و همه آموزنده تواضع و فروتنی در برابر عظمت پروردگارتند و به راستی بت‌های غرور و تکبر و نخوت را در درون کعبه جان انسان در هم می‌شکنند.

اعتراف به عزت خداوند، ثمره دیگر فریضه حج است. حج گزار آگاه که وارد طواف خانه می‌شود و میلیون‌ها انسان واله و شیدا را حول خانه ساده و بی آرایش پروردگار می‌بیند و یا در سعی میان صفا و مروه انبوه انسان‌ها را سرگشته و حیران میان این دو کوه مشاهده می‌کند، اگر عارفانه و با معرفت، با اندک تأملی به این صحنه‌ها دقت کند، حقارت خود و امثال خود و عظمت خداوند را با دیده می‌بیند و خاضعانه سر تعظیم در مقابل عظمت حق پایین می‌آورد. آری، تمام مناسک حج نشانه‌های عزت خداوند و کوچکی و حقارت بنده است؛ طواف، سعی، وقوف، حلق، تقصیر و ...

### ۴. گوش‌های شنوا و دل‌های بیدار دعوت‌شدگان

«وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سَمَاعًا اَجَابُوا اِلَيْهِ دَعْوَتَهُ وَ صَدَّقُوا كَلِمَتَهُ»<sup>۷</sup>

«و از میان آفریدگانش شنوندگانی را برگزید که دعوتش را پاسخ داده و سخنش را تصدیق نموده‌اند.»

زیارت خانه خدا و انجام فریضه حج توفیقی است که رفیق هر کس نمی‌شود. امام علی علیه السلام حج گزاران را منتخبان الهی و صاحبان گوش‌های شنوا و دل‌های بیدار دانسته، می‌فرماید: خداوند از میان بندگان خود شنوندگانی را بر می‌گزیند که دعوت او را اجابت کرده و سخنش را گواهی داده باشند.

قرآن کریم نیز چنین خبر می‌دهد که خداوند به ابراهیم خلیل علیه السلام فرمان داد تا در میان مردم برای انجام حج فراخوان نماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»<sup>۸</sup>

در روایت آمده است که ابراهیم و اسماعیل بعد از آن که مأموریت خدا را در بنای خانه کعبه انجام دادند، خداوند به جناب ابراهیم علیه السلام دستور داد مردم را با صدای رسا به حج دعوت کند. او عرض کرد: صدای من به جایی نمی‌رسد.

خداوند فرمود: بر تو صدا زدن و بر من رساندن. ابراهیم بر فراز مقام که در آن روزگار به خانه کعبه چسبیده بود، فرار گرفت. مقام مرتفع شد تا آنجا که از کوه‌ها بالاتر رفت. ابراهیم علیه السلام انگشت در گوشت گذاشت و با صدای بلند، در حالی که رو به شرق و غرب کرده بود ندا داد:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْحَجُّ إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، فَاجِيبُوا رَبَّكُمْ».

تمام کسانی که در پشت دریا‌های هفتگانه و در شرق و غرب عالم بودند، بلکه کسانی که در پشت پدران و رحم مادران بودند نیز صدای ابراهیم را شنیدند و «لَيْتَيْكَ اللَّهُمَّ لَيْتَيْكَ» گفتند.<sup>۹</sup> روایات دیگری نیز گویای آن‌اند کسانی که لیبیک گفته‌اند، به تعداد لیبیک گفتن خود موفق به انجام حج می‌شوند و آن‌ها که اصلاً لیبیک نگفته‌اند توفیق حج ندارند.<sup>۱۰</sup>

## ۵. پا در جای پای پیامبران الهی و جریان‌های توحیدی

«وَوَقُّوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ»<sup>۱۱</sup>

«و آن‌ها در جایگاه‌های پیامبران و قوف کرده‌اند.»

پیامبران بسیاری پیش و پس از ابراهیم علیه السلام به زیارت خانه توحید باریافته‌اند که روایات زیادی از حج آنان گزارش می‌دهند.<sup>۱۲</sup>

حاجیان که اکنون موفق به انجام حج و عمره می‌شوند، در حقیقت گام در جای پای پیامبران گذاشته و در مقام عبودیت و بندگی با آنان هم‌پیمان می‌شوند.

## ۶. شباهت جویی به فرشتگان

«وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَةِ الْمُطِيفِينَ بَعْرَشِهِ»<sup>۱۳</sup>

«و به فرشتگان که بر گرد عرش او می گردند، شبیه شدند.»

چشمان ملکوتی علوی با دیدن طواف کنندگان خانه خدا؛ از فرشتگانی که بر گرد عرش الهی می چرخند، یاد می آورد و چه زیبا طواف کنندگان را به ساکنان عرش الهی تشبیه می کند!

بشر خاکی و امانده در طبیعت، وقتی در محوطه خانه خدا (مطاف) قدم می گذارد در واقع از حسیض طبیعت عروج کرده به اوج عرش الهی بار می یابد و همانند فرشتگان بر گرد خانه توحید طواف می کند. به راستی اگر حاجی عمل خود را با معرفت و حضور برگزار کند جانش آن چنان ارتقا می یابد که با فرشتگان اطراف عرش الهی همسان می گردد و از خاکدان طبیعت گذر کرده به عرش نورانی حضرت حق تقرب پیدا می کند.

## ۷. تجارت پر سود و آمرزشگاه الهی

«يُخْرِزُونَ الْأَرْيَاحَ فِي مَتَجِرِ عِبَادَتِهِ وَ يَتَّبِعُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ»<sup>۱۴</sup>

«آن‌ها سودهای فراوانی در این تجارتخانه عبادت او به دست می آورند و میعادگاه آمرزش او نزد آن است.»

دنیا از منظر دین اسلام بازار معامله خدا و بندگان است. قرآن مجید در چند جا، از آن به عنوان تجارتگاه یاد نموده است.<sup>۱۵</sup> یکی از معامله‌های سودمند بنده با خدا، انجام فریضه عظیم حج است.

امام پرهیزکاران، علی علیه السلام در تشبیه معقول به محسوس، به زیبایی از این وجهه دنیا و حج خانه خدا، پرده داری نموده است. به راستی چه تجارتی پرسودتر و گرامی‌تر از عملی که اگر با آداب و شرایط انجام شود، انسان را از تمام گناهانش پاک می کند، درست همانند روزی که از مادر متولد می شود.<sup>۱۶</sup>



## ۸. پرچم برافراشته اسلام

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا...»<sup>۱۷</sup>  
«خداوند متعال این خانه را پرچمی برای  
اسلام قرار داد.»

در این فراز، امیر سرافراز اسلام، علی علیه السلام کعبه را پرچم در اهتزاز اسلام معرفی می‌کند؛ پرچمی که همه ساله مسلمانان را گرد آورده و استقلال و عظمت و عزت آن‌ها را به رخ جهانیان و سایر ادیان می‌کشد. همه ساله حج، روح تازه‌ای در کالبد مسلمانان جهان می‌دمد و خون تازه‌ای را در عروقشان به جریان می‌اندازد. مرحوم استاد شهید مطهری در این باره می‌گوید:

این خود تعبیری است درباره کعبه که به منزله پرچم مقدسی است ولی از سنگ، نه از پارچه؛ مثل یک پرچم، احترام و تقدس دارد. مثل یک پرچم در میدان جنگ همه باید گرد او جمع شوند. مثل یک پرچم تا آن برپاست، لشکر ایستاده و مقاومت می‌کند و اگر خوابید، پشت سپاه و اردو می‌شکند؛ «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»<sup>۱۸</sup>.

برخی از سیاستمداران غربی به این جنبه از عظمت حج به درستی پی برده و اعلام خطر کرده‌اند؛ گلاستون، نخست وزیر انگلستان، در مجلس عوام آن کشور می‌گوید:

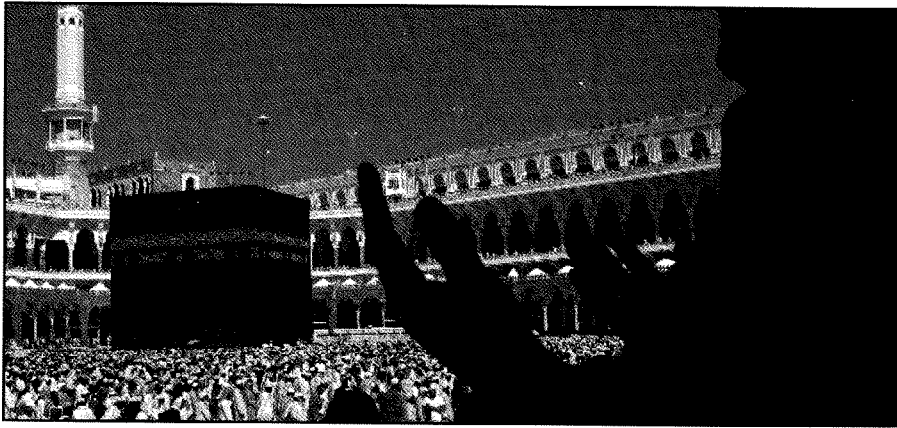
«مادام که نام محمد در مأذنه‌ها به عظمت یاد می‌شود و قرآن برنامه زندگی مسلمانان است و «حج» هر سال با شکوه تمام برگزار می‌گردد، جهان مسیحیت در خطر بزرگی است و ما از اصلاح جهان عاجز خواهیم بود.»<sup>۱۹</sup>

یکی دیگر از سیاستمداران مسیحی نیز می‌گوید: «وای بر مسلمانان اگر معنای حج را نفهمند و وای بر غیر مسلمانان اگر مسلمانان معنای حج را بفهمند.»<sup>۲۰</sup>

## ۹. پناهگاه پناه جویان

«وَلِلْعَائِدِينَ حَرَمًا...»<sup>۲۱</sup> «و برای پناه جویان، حرم امن قرار داد.»

قرآن کریم خانه خدا را اینگونه معرفی می‌کند:



﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَرْنَا وَمُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾<sup>۲۲</sup>

«در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم بنا گردیده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است. در آن، نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است.»

مکه معظمه پناهگاه امنی است برای مسلمانان و این نصّ قرآن و روایات است. مفسران درباره نوع این امنیت، آرای را مطرح کرده‌اند؛ از جمله این که آیا این امنیت، امنیت تکوینی است یا تشریحی؟

مفسر بزرگ علامه محمدحسین طباطبایی قائل به امنیت تشریحی است، اما شاگرد برجسته ایشان آیت الله جوادی آملی بر آن است که مراد امنیت تکوینی است. اکنون توجه مخاطبان فرهیخته را به طرح این بحث در کتاب صهبای حج، از آثار گرانسنگ آیت الله جوادی آملی جلب می‌کنیم:

### امنیت تکوینی حرم

سرزمین مکه به ظاهر باید فاقد امنیت باشد؛ زیرا از یک سو خوی مردم حجاز تجاوزگری و غارتگری بود و از سوی دیگر از علم، فرهنگ و کشاورزی، دامداری و صنعت بی بهره بودند و اصولاً مردم بی فرهنگ



گرسنه، غارتگر می‌شوند، ولی با این همه، خداوند می‌فرماید: ما مکه را محل امن قرار دادیم و هم با برکت.<sup>۳۳</sup> خداوند کعبه را محل امن و میعادگاه مردم قرار داد<sup>۳۴</sup> و سپس به سبب شرافت و حرمت کعبه، مکه را بلد امین<sup>۳۵</sup> و حرم را مامن و مکه را مصون خواند.<sup>۳۶</sup> چنان‌که در روایت است که خداوند حرم را بر اثر حرمت مسجد تحریک کرد: «حُرِّمَ الْحَرَمُ لِعَلَّةِ الْمَسْجِدِ».<sup>۳۷</sup>

امام صادق علیه السلام نیز در باره امنیت حرم فرمود: هرکس به حرم پناه برد در امان است و هر گنجه‌کاری داخل کعبه شود و بدان پناه ببرد، از خشم خدا در امان است و هر حیوانی که وارد حرم شود، از هرگونه تهدید و آزاری در امان است تا زمانی که از حرم بیرون رود.<sup>۳۸</sup>

این تأمین خدایی در واقع پاسخی است به دعای بانی کعبه، ابراهیم علیه السلام که عرض کرد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا»<sup>۳۹</sup> و نیز گفت: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»<sup>۴۰</sup> و همچنین خداوند فرمود: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا».<sup>۴۱</sup>

بنابر همین اصل، قریش متنعم شد و خداوند آنان را از گرسنگی و از ترس ایمن ساخت: «أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ».<sup>۴۲</sup>

خداوند در باره امنیت تکوینی حرم در آیه دیگر نیز فرمود:

«برخی از اهل مکه می‌گویند اگر ما به تو ایمان بیاوریم کافران ما را از سرزمین خودمان بیرون کرده، آواره می‌شویم. آیا اینان نمی‌دانند که ما مکه را امن قرار دادیم و - با این که زمین و آب و هوای مکه برای کشاورزی و دامداری مناسب نیست - از هر طرف انواع نعمت و بهترین ثمرات به سوی مکه جمع آوری می‌شود».<sup>۴۳</sup>

و همچنین می‌فرماید: «با این که در اطراف مکه آدم ربایی فراوان است و مردم در آن نقاط امنیت ندارند ولی در محدوده حرم و مکه ایمن هستند، البته نه به خاطر این که مردم مکه یا رهنان انسان‌های صالحی هستند که حرمت حرم را پاس می‌دارند، بلکه ما آن را حرم امن قرار دادیم».<sup>۴۴</sup> از آن‌جا که اختطاف و ربوده شدن امری تکوینی است، پس امنیت مقابل آن نیز امری تکوینی است.<sup>۴۵</sup>

## اشکالی بر امنیت تکوینی حرم و پاسخ آن

استاد آیت الله جوادی آملی به نظریه استاد بزرگوار خود علامه طباطبایی پرداخته و آن را نقد و بررسی می‌کند:

استاد علامه طباطبایی<sup>۳۵</sup> درباره امنیت مکه می‌گوید: مراد از امنیت در آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ امنیت تشریحی است، نه تکوینی؛ زیرا جنگ‌ها، کشتارها و ناامنی‌های بی‌شماری در طول تاریخ، در اطراف کعبه اتفاق افتاده است. پس اگر امنیتی هست در سایه مراعات قوانین شریعت و به وسیله مردم است نه به جهت امر تکوینی.<sup>۳۶</sup>

نقد سخن مزبور با توجه به آیه شریفه ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ چنین است:

همان‌گونه که از لحاظ اقتصادی با این که مکه محل کشاورزی و دامداری و صنعت نبود، لیکن ساکنان آن به لطف الهی از گرسنگی و فقر نجات یافته و از نعمت‌های فراوان بهره‌مند شدند، از لحاظ اجتماعی نیز از امنیت تکوینی برخوردار شدند. گرچه ممکن است خدای سبحان این امنیت را در مقطعی از زمان از آنان سلب کند.

(زیرا) معنای امنیت تکوینی حرم این نیست که در آن‌جا کشتار نمی‌شود، بلکه خداوند آن سرزمین را بر اساس لطف خاص خود مأمّن قرار داده است، لیکن اگر مردم آن‌جا بیراهه رفتند، خداوند آن‌ها را به قهر خود می‌گیرد: زیرا ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرًا لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَّا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾<sup>۳۷</sup> ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾<sup>۳۸</sup> ویژگی مکه این است که ممکن نیست حکومتی بتواند در آن، سالیان متمادی ظالمانه حکمرانی کند. به عبارت دیگر؛ مانند بهشت نیست که هیچ کژی و خلافی در آن واقع نشود: ﴿لَا لَعْوَفُ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ﴾<sup>۳۹</sup> بلکه با این‌که احکام دنیا را دارد، از بسیاری جهات با مکان‌های دیگر متفاوت است. از جمله این‌که هرکس از روی ظلم نسبت به آن قصد سوء کند به عذابی دردناک مبتلا می‌شود<sup>۴۰</sup> و همچنین گرچه خداوند همه ستمگران را به قهر خود می‌گیرد<sup>۴۱</sup> لیکن اخذ فوری و پایان بخشیدن سریع به حیات ظالم، ویژه سرزمین مکه است.<sup>۴۲</sup>

## ۱۰. حج و تقویت دین

«وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ»<sup>۴۳</sup>

«و حج را برای تقویت دین (واجب کرد)».

یکی از فلسفه‌ها و اسرار یقینی حج، تقویت اسلام است. بی شک همین اجتماع مسلمانان که افراد یکدیگر را می‌بینند. در تقویت دین مؤثر است هرچند کافی نیست.

استاد شهید مطهری در تبیین فرایند این کار کرد حج می‌گوید:

تقویت اسلام یعنی چه؟ اسلام نیرو بگیرد یعنی چه؟ نیرو گرفتن اسلام به این است که بر ایمان پیروان اسلام افزون شود و عمل پیروان اسلام با اسلام انطباق پیدا کند و بر عدد پیروان اسلام افزوده شود. تقویت اسلام به این است که مسلمانان قوی‌تر باشند و قوی‌تر بودن آن‌ها به این است که پیوند اتحاد آن‌ها محکم‌تر شود.

پس برنامه تقویت اسلام در دو قسمت باید اجرا شود: قسمت اول در این است که برنامه‌ها و نشریه‌ها و تعلیمات در ایام حج داده شود. از فرصت حج استفاده شود و به نشر حقایق اسلامی پرداخته شود، از راه مواعظ، روحیه مردم برای عمل به اسلام آماده شود که مردمی که بر می‌گردند با آمادگی بهتری برگردند.

همان کاری که پیامبر خدا ﷺ کرد، که از این مواقف برای تعلیم و تربیت مسلمانان به طرز مؤثری استفاده کرد.

قسمت دوم مربوط است به تقویت پیوند مسلمانان و نزدیک کردن روابط آن‌ها با یکدیگر، آنجا که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۴۴، ۴۵</sup>

امام صادق علیه السلام درباره علت و جوب حج بر بندگان فرمود:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا - إِلَى أَنْ قَالَ - وَ لَتُعْرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى»<sup>۴۶</sup>

«خداوند در حج، اجتماع مردم از شرق و غرب را قرار داد تا همدیگر را بشناسند... و با آثار پیامبر خدا ﷺ و اخبار او آشنا شوند تا آثار او یادآوری گردیده، فراموش نشود.»

معلوم است حاجیانی که برای انجام مناسک حج اعزام می‌شوند، نخست ملتزم می‌شوند عقاید، اخلاق و اعمال خود را بازخوانی و بازسازی کنند که همین سبب تقویت دین در افراد مسلمان می‌شود و با حضور آنان در مدینه و مکه و مواقع مختلف، با آثار بازمانده از اسلام آشنا می‌شوند که این نیز به نوبه خود باعث استحکام باورهای دینی می‌گردد. از سوی دیگر، همه ساله با همایش بزرگ مسلمانان در مکه و مدینه، به ویژه در زمان معاصر، با وجود رسانه‌های بین‌المللی، نام اسلام و معارف اسلامی به سراسر جهان منتشر می‌شود که سبب آشنایی مردم دنیا با اسلام و تعالیم دینی و گرایش آن‌ها به اسلام می‌گردد.

### ۱۱. حج و فقر زدایی

«فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ»<sup>۴۷</sup>

«همانا حج و عمره، فقر و نداری را برطرف می‌سازند.»

از دیگر آثار حج، توسعه اقتصادی و رفع فقر از مسلمانان و امت اسلامی است. اگر حج، چنان که مقصود شارع مقدس و خواست پیامبر اعظم و جانشینان معصوم آن حضرت است، عملیاتی شود، مسلمانان می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح در کنگره عظیم حج، برنامه اقتصادی کاملی را پی‌ریزی کنند که نتیجه‌اش پیشرفت اقتصادی و صنعتی و استقلال از بیگانگان و دول استعمارگر است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ...»<sup>۴۸</sup>

«بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] فضل پروردگارتان [روزی خویش] را بجویید.»

این آیه شریفه، یک حکم جاهلی - گناه بودن داد و ستد در ایام حج - را لغو کرده و به مسلمانان اجازه داده است که در زمان برگزاری مراسم حج داد و ستد کنند؛ زیرا اسلام می‌خواهد مسلمانان در کنار بهره‌مندی از آموزه‌های اخلاقی، معنوی، سیاسی و فرهنگی حج، با طرح یک برنامه کلان اقتصادی، پایه‌های اقتصادی جوامع اسلامی را بنا کرده و با مبادلات تجاری میان ملت‌های مسلمان، اقتصاد نیرومندی را به وجود آورند که دنیای اسلام نه تنها از بیگانگان بی‌نیاز بلکه در فعالیت‌های اقتصاد جهانی پیشتاز باشد.



یکی از اسباب و برنامه‌های فقر زدایی در فریضه حج، استفاده به جا و مناسب از گوشت قربانی است. پیامبر خدا ﷺ در این باره فرمود:

«إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْأَضْحَى لِتَشْبَعَ مَسَاكِينُكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ».<sup>۴۹</sup>  
 «خداوند قربانی را قرار داد تا نیازمندان شکمی سیر از گوشت بخورند، پس آنان را اطعام کنید.»

امام صادق علیه السلام در این مورد که جایز است گوشت قربانی را از بیرون ببرند و به مصرف فقرا و نیازمندان برسانند، فرمود:

«كُنَّا نَنْهَى النَّاسَ عَنِ إِخْرَاجِ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ مِنْ مَنَى بَعْدَ ثَلَاثِ لَيْلَةٍ لِلَّحْمِ وَ كَفْرَةَ النَّاسِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ اللَّحْمُ وَ قَلَّ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِإِخْرَاجِهِ».<sup>۵۰</sup>  
 «ما، مردم را از بیرون بردن گوشت قربانی از منا، بعد از سه روز نهی می‌کردیم به دلیل کم بودن گوشت و زیاد بودن مردم، اما امروز چون گوشت زیاد شد و مردم کم‌اند عیبی ندارد که گوشت قربانی را بیرون ببرند.»

## ۱۲. آزمایش و اختبار

از اسرار مهم حج، آزمون بندگان است که امام علی علیه السلام در یک بیان تفصیلی به آن پرداخته، فرمودند:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ عليه السلام إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تَبْصُرُ وَلَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا، ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَأَقَلَّ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا وَأَضْيَقَ بَطُونَ الْأَوْدِيَةِ قَطْرًا بَيْنَ جِبَالِ خَشْنَةِ وَرَمَالِ دِمْتِهٍ وَ عِيُونِ وَشِلَّةٍ وَ قَرَى مُنْقَطِعَةٍ لَا يَزُكُّو بِهَا خُفٌّ وَلَا حَافِرٌ وَلَا ظَلْفٌ».

ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عليه السلام وَوَلَدَهُ أَنْ يَثْنُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ وَ غَايَةً لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ تَهْوَى إِلَيْهِ ثَمَارُ الْأَفْتِدَةِ مِنْ مَقَاوِزِ قَفَارِ سَحِيقَةٍ وَ مَهَاوِي فَجَاجِ عَمِيقَةٍ وَ جَزَائِرِ بَحَارِ مُنْقَطِعَةٍ حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يَهْلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَ يَزْمَلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْنًا غَيْرًا لَهُ قَدْ نَبَذُوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ شَوْهُوا بِإِغْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ ابْتِلَاءً عَظِيمًا وَ امْتِحَانًا شَدِيدًا وَ اخْتِبَارًا مَبِينًا وَ تَمْحِيسًا بَلِيغًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وُضَلَةً إِلَى جَنَّتِهِ.

وَ لَوْ أَرَادَ سَبَّحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعُظَامَ بَيْنَ جَبَّاتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارِ جَمِّ الْأَشْجَارِ ذَانِي الثَّمَارِ مُلْتَفِّ الثُّبْنِي مُتَّصِلِ الْقُرَى بَيْنَ بَرَّةِ سَمَرَاءَ وَ رَوْضَةِ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافِ مُحَدَّقَةٍ وَ عِرَاصِ مُعَدِّقَةٍ وَ رِيَاضِ نَاضِرَةٍ وَ طُرُقِ عَامِرَةٍ لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ وَ لَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمُرَّةِ خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتَةِ حَمْرَاءَ وَ نُورِ وَ ضِيَاءِ لَحَقَفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَلَجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَانًا لِلذُّكُلِ فِي نَفْسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ».<sup>۵۱</sup>

«آیا حقیقت روشن را نمی بینید که خداوند سبحان همه انسانها را - از

نخستین آن‌ها که به دوران آدم می‌رسد تا آخرین کس که رمز پایداری مردم است - آزمود و در سنگستانی‌ترین قطعه این خاکدان قرارش داد. در نقطه‌ای که در دنیا کمترین مقدار خاک را دارد. تنگ دره‌ها است فرومانده در لا به لای کوهساران ناهموار و بر ریگ‌های نرم و در کنار چشمه‌های بی رمق و آبادی‌های پراکنده که پرورش هیچ دامی - اعم از شتر، گاو و گوسفند - در آن ممکن نیست.

آن‌گاه به آدم و فرزندانش فرمان داد رو سوی آن آرند و در پی این فرمان، آن خانه سرمنزل دستاورد سفرها و بارانداز کاروان‌ها شد. میوه‌های دل‌ها، از دشت‌های خشک و سوخته و بی گیاه و شیب دره‌های ژرف و جزایر دریا‌های دورافتاده بدان سو فرو می‌افتد تا به رسم فروتنی، در اطراف آن خانه شانه‌هایشان را بلرزاند و با و نهادن موی، زیبایی‌های خداداده را آشفته سازند و این آزمونی سترگ و امتحانی سخت و آزمایشی روشن و پالایشی رساست که خداوند آن را وسیله رحمت خویش و رمز پیوستن به بهشت خود قرار داده است.

و اگر خداوند چنین اراده می‌فرمود که خانه محترم و مشعرهای عظیم خود را در پیچاپیچ باغستان‌ها و جویباران و بر دامن دشتی هموار با درختانی انبوه و میوه‌های در دسترس کنار بناهای به هم پیوسته و روستاهای تنگاتنگ در کنار گندمزارهای طلایی رنگ، در بوستانی سرسبز و کشتزارهایی پرگیاه، زمین‌های پر آب، مرغزارها و کشتگاه‌های سرسبز و شاداب و در کناره راه‌های آبادان بنا کند در آن صورت پاداش حج‌گزاران بر حسب آسانی آزمون اندک می‌شد و اگر سنگ پایه‌های کعبه - که خانه بر آن‌ها استوار است - و سنگ دیوارها همه از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و اثیر ساخته می‌شد جدال شک در دل‌ها کاستی می‌گرفت، قلمرو تلاش ابلیس محدود می‌شد و دغدغه و دو دلی مردم از میان می‌رفت. اما خداوند بندگانش را با هرگونه آزمون می‌آزماید و به شیوه‌های گوناگون تعبدشان را می‌طلبد و به انواع ناخوشی‌ها مبتلاشان می‌سازد تا بدین وسیله تکبر را از دل‌هاشان براند و فروتنی را در عمق جان‌هاشان بنشانند تا این‌ها همه درهای گشوده‌ای به سوی فضل او شوند و اسباب همواری زمینه عفوش گردند.<sup>۵۲</sup>



اگر خداوند چنین اراده می فرمود که خانه محترم و مشعرهای عظیم خود را در پیچاپیچ باغستان‌ها و جویباران و بر دامن دشتی هموار یاد رختانی انبوه و میوه‌های در دسترس کنار بناهای به هم پیوسته و روستاهای تنگاتنگ در کنار کندمزارهای طلایی رنگ، در بوستانی سرسبز و کشتزارهایی پر گیاه زمینی‌های پر آب، مرغزارها و کشتگاه‌های سرسبز و شاداب و در کنار راه‌های آبادان بنا کند در آن صورت پاداش حج گزاران بر حسب آسانی آزمون اندک می‌شد.

### ۱۳. حج، جهاد ضعیفان

«وَالْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ»<sup>۵۳</sup>

«و حج جهاد هر ناتوانی است.»

یکی از ارزش‌های متعالی در اسلام، جهاد در راه خدا است که هر مسلمانی آرزو دارد در معرکه جهاد شرکت نموده، به فوز و فیض شهادت نایل شود و از پاداش‌های فراوانی که قرآن کریم برای مجاهدان بر شمرده، بهره‌مند گردد. اما از آنجا که این توفیق برای همه میسر نمی‌شود، امام علیه السلام حج را به عنوان جانشین جهاد برای ناتوانان بر شمرده.



## نتیجه و جمع بندی

نهج البلاغه که یادگار ارزشمند کارشناس اعلاّی جهان و انسان و دین شناس کامل، مولای متقیان علی علیه السلام است، در ضمن تبیین تعالیم و آموزه‌های هستی شناسانه و دین شناسانه و تربیت انسان و معارف عرفانی و اخلاقی پرشمار دیگر، بیانات کوتاه و نغزی در باره اسرار و معارف حج ارائه کرده که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. فریضه جهت‌بخش،
۲. شوق و بی‌قراری در برابر خداوند،
۳. فروتنی در برابر عظمت خداوند،
۴. گوش‌های شنوا و دل‌های بیدار دعوت‌شدگان،
۵. گام در جای پای پیام آوران الهی و جریان‌های توحیدی،
۶. شباهت جویی به فرشتگان،
۷. تجارت سودآور و آمرزشگاه الهی،
۸. پرچم در اهتزاز اسلام،
۹. پناهگاه پناه جویان،
۱۰. تقویت دین،
۱۱. زدودن فقر،
۱۲. آزمایش و اختبار
۱۳. جهاد ضعیفان.

## بی نوشت ها:

۱. آل عمران : ۶۱
۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۳
۳. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱، سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴، ص ۲۵۴
۴. نهج البلاغه خطبه اول.
۵. همان.
۶. همان.
۷. همان.
۸. حج : ۲۷
۹. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸، ح ۷۴
۱۰. شرح نهج البلاغه (مرحوم خویسی)، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۸۷
۱۱. نهج البلاغه، خطبه اول.
۱۲. شرح نهج البلاغه (مرحوم خویسی)، ج ۲، ص ۲۵۲
۱۳. نهج البلاغه، خطبه اول.
۱۴. همان.
۱۵. بقره : ۱۶؛ صف : ۱۰ و ...
۱۶. رک. به: میزان الحکمه.
۱۷. نهج البلاغه، خطبه اول.
۱۸. حج، یادداشت استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۱۰۰
۱۹. راهنمای حرمین شریفین، ج ۱، ص ۲۶۳
۲۰. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۳
۲۱. نهج البلاغه، خطبه اول.
۲۲. آل عمران : ۹۶ و ۹۷
۲۳. قصص : ۵۷
۲۴. بقره : ۱۲۵
۲۵. تین : ۳
۲۶. عنکیوت : ۶۷
۲۷. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۹، ص ۳۳۶
۲۸. همان، ص ۳۳۹
۲۹. بقره : ۱۲۶
۳۰. ابراهیم : ۳۵
۳۱. آل عمران : ۹۷
۳۲. قریش : ۴
۳۳. قصص : ۵۷
۳۴. عنکیوت : ۶۷
۳۵. صهبای حج، آیت الله عبدالله جوادی آملی، اسراء، چهارم، ۱۳۸۲، صص ۱۵۳ - ۱۵۱
۳۶. المیزان، علامه طباطبائی، ج ۳، ص ۳۵۴
۳۷. آل عمران : ۱۷۸
۳۸. ابراهیم : ۴۲
۳۹. طور : ۲۳
۴۰. حج : ۲۵
۴۱. ابراهیم : ۴۲
۴۲. صهبای حج، صص ۱۵۶ - ۱۵۴
۴۳. نهج البلاغه، خطبه اول.
۴۴. آل عمران : ۲۰۰
۴۵. حج (یادداشت های) استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۸۰
۴۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹
۴۷. نهج البلاغه، ص ۱۶۳، خطبه ۱۱
۴۸. بقره : ۱۹۸
۴۹. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۹
۵۰. همان، ص ۲۹۵
۵۱. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۲۹۳، خطبه ۱۹۲
۵۲. جهان آفتاب، واژه، حج.
۵۳. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۹۴، حکمت ۱۳۶